

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

دوشنبه ۱۸ دسمبر ۲۰۲۳

حمید انوری

کورس اکابر

درس هفتم

"استاد سخن": محمد آصف فقیری

شاگرد غبی: خودم

از آنجائیکه "استاد سخن"، "عشق" و "علاقة" مفرط به زبان زیبای دری دارند و هم دست "توانا" در "فلسفه" و "دین" و "مذهب" و "سیاست" و... در چندین "مکتب" همزمان تدریس میکنند و حتی روز های رخصتی و جمعه نیز به "مکتب" ها حاضر گردیده و "شاگردان" بیشمار را "تدریس" میدارند، این شاگرد غبی و مکتب گریز، با تمام تلاش قادر نگردیدم تا هر روز به صنف درسی حاضر گردیده و از "کمالات" خدا داد ایشان استفاده به موقع نمایم.

مگر تلاش بندگی خود را در حال غبن، همچنان ادامه داده و کوشش میکنم طرز تحریر "درست" را بیآموزم و نیز اغلاط عدیده املائی و انشائی خود را آهسته آهسته، خلاف عجله "استاد سخن"، اصلاح نموده و از "بحر بیکران" فهم و دانش شان، با بطالت و تنبلی خاصه خود، اندک اندک بیآموزم و نیز تلاش بیشتر به خرج دهم تا مگر به پای آن "استاد سخن" برسم، میدانم که کاریست از جمله ناممکنات.

اینک درس هفتم از سلسله دروس صنف چهارم ابتدائی را با نوشته های "زرین" "استاد سخن" پی میگیریم. امید "استاد معظم" تنبلی و بطالت من را بر من ببخشایند.

[محمد آصف فقیری ۱۴/۱۲/۲۰۲۳]

چرا شایسته سالاری؟

قانون بستری برای رسیدن متخصص بمنظور خدمات است، نه اینکه قانون خلق افراد شایسته کند! (قانون افراد شایسته خلق کند - قانون خلق نمی کند، بلکه کنترل میکند و افراد شایسته قانون را می سازند، نه برعکس آن).

در جواب سوال عنوان: زیرا جوهره (جوهره) خلقت انسانی چنین است که هرکس برای کاری آفریده شده و شناسائی استعداد خودی و بعداً در پی آن بودن یعنی سعید بودن خودش در مقدم و موجودیتش در دنیا مسبب سعادت جامعه و کشورست. و اینکه تبعیض ما را نابینا کرده باشد و عینک ما همه را سیاه ببیند (ببیند- اشتباه تایی)، که در پاسخ این حالت باید گفت (کدام پرسش در این سطور مطرح نگردیده است تا پاسخی ارائه گردد): مشرکین کعبه آنجناب (بعد از تعقیب سه درس متواتر، دانسته شدم که مقصد "استاد سخن" از به کار گیری "آنجناب" در نوشته های متواتر شان، حضرت محمد مصطفی (ص) بوده است. دانسته نمی شود که ایشان چه دلیل منطقی در مورد عدم ذکر نمودن نام مبارک پیغمبر اسلام دارند.) را مخاطب قرار داده گفتند: می شود که پسر های ما، از ما نباشند (نباشند) و زن های ما به ما خیانت کرده باشند، که در مقابل پیامبری شما همین قدر هم شک و تردید نداریم، ولی اینکه چرا ایمان نمی آوریم چون قبایل ما همیشه در تضاد و رقابت بوده است. (ذکر منبع و مؤخذ در چنین حالات حتمی است. ده در کجا و درختان ده در کجا)

عدم های شایسته سالاری (عدم شایسته سالاری- عدم در هیچ حالت جمع بسته نمی شود) در افغانستان:

در سیاست های کلان (سیاست، سیاست است، کلان و خورد ندارد): شخصیت های تاثیر (تأثیر) گزار (گذار) توسط استخبارات بیرونی ترور می شوند، زیرا در فقدان رهبر های حقیقی، افغانستان با ثبات در واقعیت، واقع نمی شود. (!؟) (در واقعیت واقع نمی شود، یعنی چه؟)

• ملاحی (ی اضافی معلوم می شود) از (نگاه) مبانی اسلام سیاسی (این عنوان فرعی شاید بهتر میبود اینگونه باشد "ملا ها از نگاه مبانی اسلام سیاسی"): در اول تکرار احسن می کنیم ("استاد سخن" یکبار این موضوع را مطرح نکرده اند که ضرورت به تکرار احسن پیش آید): که منظور از اسلام سیاسی جدای (جدائی) دین از سیاست نیست، بلکه اسلام و عقاید اسلام ابزاری برای رسیدن به قدرت است، که دولت در چنین حالت فاقد سیاست مداری است که شایسته دولت داری باشد.

• وابستگی و توجه بردگی: در بین جوانان چنان تلقین شده که این کشور همیشه و مدام در این حالت عقب ماندگی می ماند و روحیه (روحیه) امید به منابع گذر آن از حالت کنونی، نیز سلب می شود، بطور ترتیب شده... (این جمله نامکمل و نامرتب است)

● معارف: جوان بعد اینکه فارغ لیسه هم می شود، مسیر زندگی و هویت کسبی که در قالب آن به جامعه پدیدار شود نامعلوم است. یعنی معارف **بگونه** (بگونه) کالج بهتر و تجویز بهتر برای بحران هویت جوانان است، ورنه گروه های سلفی و تکفیری ها برای جلب آنها طبق برنامه از قبل، **آماده** (آماده) عسکر گیری اند. (تبلیغات پوچ امریکائی - روسی)

● مساجد: در **زمانه** (زمان) حضرت نبی اکرم صلوات علیه سه یا چهار مسجد بیشتر نبوده است، ولی بهترین **ساجدین** (!؟) در خلقت آنها بودند. که متأسفانه با وجود ضروریات جدی بر مکان های خدمات عامه در افغانستان در هر منطقه بیشتر از ضرورت مساجد اعمار شده که اکثر مساجد توسط وهابی ها یا اشراف استخباراتی دینی اداره می شوند - که در مقدم موارد را اختلافی می کنند که از ریشه **خیر القرون آن موارد اختلافی نبوده**، (جمله کاملاً بی معنی و بی مفهوم است) زیرا اول آب پاک را گل آلود می کنند تا ماهیگیری کنند. که یکی از کارهای خوب طالبان سرکوب وهابی ها بود، بعد از ۲۰۲۱

● تعصبات سمتی: بعد فروپاشی قدرت شوروی در افغانستان، اکثر افراد که با **ایده های مارکسیستی** به همراه هستند و بودند، (ملبس هستند و بودند) با لباس جدید سیاسی یعنی تعصبات قومی وارد کشور شده اند. ولی عامل اصلی اینکه در طول بیست (سال) از شروع بن ۲۰۰۱ **روحیه** (روحیه) ملی را با تقسیم کردن قدرت بین اقوام، و قومگرایی و سمت گرایی را در **جامعه** (جامعه) سیاسی به اوج رساندن. (رسانند) اگر فارغ از تعلقات قومی، سمتی و زبانی و باوری، یک فرد شایسته را برای خدمت عامه انتخاب می (!؟) کنیم، نمایانگر (نمایانگر چه) و **ثانیاً** (ثانیاً) **بیدون** (بدون) شک در این انتخاب نفع و خیر دنیایی اینست که در اول خداوند و خلقت وی را تکریم کرده ایم، (اول...، و دوم آن مفقود است) **کسانی که انتخاب می کنند نیز می باشد** (این جمله نامکمل، نامفهوم و سخت هم بی معنی است). و از اینجاست که به نظم پایدار و ستودنی روبرو می شوم که توسعه و تمدن دنیا و معنویت دینی را همه به همراه دارد..]

یادداشت شاگرد غبی: "استاد سخن" جملات شانرا چنان درهم و برهم نوشته اند که شاید خودشان هم بعد از دوباره مرور کردن آن، در معنی آن دچار حیرت گردند. این است نمونه کامل یک "استاد سخن" که شاگردان غبی چون این کمترین را دچار آشفتگی فکری و سرگیجه می کند. ممنون از جناب شان و زحمات متواتر و پیگیر شان در طرح چنان موضوعات و درهم و برهم و بی معنی و مفهوم نمودن جملات.

امید قوی دارم تا از درس های آینده "استاد سخن" بیشتر و بهتر بیاموزم و اغلاط املائی، انشائی، تایی و اصطلاحی وافر خود را نشانی نموده و اصلاح نمایم. اگر اصلاح و نشانی بعضی اغلاط و اشتباهات از دید ضعیف این شاگرد غبی پنهان می ماند و یا به آنها درست توجه نمی شود، بر من ببخشائید، آخر من تازه صنف چهارم ابتدائی را آغاز کرده ام و راه درازی پیشرو دارم و حوصله اندک و تنبلی و مکتب گریزی نیز مشکل اساسی من و مصروفیت های بدون وقفه "استاد سخن" هم مزید بر علت گردیده است.

درس هشتم به زودی...